



پدری پر توجه

یکی از شاگردان از عیسی خواست: «به ما دعا کردن را بیاموز.» عیسی به روشی دعا کرد که شاگردان تا به آن موقع از او نمیشناختند. شاگردان احترام زیادی برای خدا قائل بودند. آنها با این نگرش بزرگ شده بودن که خدا قادر مطلق، قدوس، حاضر مطلق، عادل و مهربان است. اما عیسی به روش دیگری با خدا صحبت کرد که آنها با آن آشنا نبودند.

متی ۹: ۱۰-۱۱

عیسی گفت: «این گونه دعا کنید: ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد، ملکوت تو بیاید و اراده تو چنانچه در آسمان انجام میشود، بر زمین نیز انجام گردد.»
در این دعا عیسی می آموزد که خدا برای ما یک پدر است. او نه تنها پادشاه و قادر مطلق در ملکوتش است، بلکه پدر هم هست.

پدر به چه چیز می اندیشد؟

متی: ۶: ۱۱-۱۳

خدا همیشه میخواست ما بدانیم که او میخواهد پدر ما باشد، از ما مراقبت کند، به ما محبت کند، ما را بپذیرد و از ما محافظت کند. او مشتاق است که ما همانند پسر و دختر او رفتار کنیم و آنچه او برای ما مهیا کرده را دریافت کنیم. او مشتاق است رابطه مان با او بهبودی بیابد تا قادر باشیم محبت او را آزادانه دریافت کنیم. با اینحال انسانها این قائده را درک نمی کنند، در نتیجه عیسی آمد تا این بهبودی را به ارمغان بیاورد. داستانی که مربوط به این درس میشود را بخوانید (۲ ج)

عیسی آمد تا خدا را به عنوان پدر مکاشفه کند

یوحنا ۱: ۱-۱۴، ۸، ۹، ۱۰، ۱۴ آنچه در اینجا درباره

عیسی می آموزید را بنویسید.

خدای پدر میخواست بین انسانها زندگی کند تا صدایش را بشنوند، چون انسانها اغلب صدایش را تشخیص نمی دادند. او بطور متوالی پیامبرهایی را میفرستاد که صدایش را میشنیدند، اما این پیامبران هم خدا را به طور محدود میشناختند. به همین خاطر خدای پدر انتخاب کرد تا در بین انسانها بیاید و میان آنها زندگی کند. برای اینکه مردم از او نترسند، در جسم یک انسان آمد، عیسی. او پسر مریم بود. روح خدا عیسی را در مریم نهاده بوده. یهودیان بسیاری در انتظار مسیح، آن نجات دهنده، هستند. اما هیچکس انتظار آن را نداشت که مسیح از این طریق، به عنوان عیسی پسر خدا، به دنیا بیاید. همه فکر میکردند خدا پادشاهی اش را به روشی کاملاً متفاوت برقرار خواهد کرد، و همه منتظر فرمانروایی مقتدر و قدرتمند بودند. عیسی بر خلاف انتظار همگان معصومانه و بی آزار و همچون کودکی، بدون قدرت ظاهری آمد. هدف او این بود که به انسانها نشان دهد خدا حقیقتاً کیست و چگونه میتوان در امنیت با این پدر زندگی کرد.

عیسی چه چیز را راجع به پدر نشان میدهد؟

یوحنا ۱: ۱۸

یوحنا ۴: ۳۴، ۸: ۲۹

یوحنا ۵: ۱۹-۲۰

یوحنا ۵: ۲۶، ۲۷

یوحنا ۵: ۳۶، ۶: ۳۷-۳۹

یوحنا ۷: ۱۶

یوحنا ۱۰: ۳۸، ۱۴: ۹

یوحنا ۱۳: ۱

یوحنا ۱۴: ۶

یوحنا ۱۵: ۹، ۱۷: ۲۱

یوحنا ۱۶: ۲۷

یوحنا ۱۸: ۳۶

پدر و عیسی، نمونه ای برای ما

پدر حاضر است از عیسی بگذرد تا دیگران را نجات بخشد.

یوحنا ۱۸: ۳۷

پدر کلامش را ۱۰۰٪ به عیسی میبخشد و اطمینان دارد که او آنها عمل خواهد کرد. بر خلاف آنچه آدم کرد، عیسی به پدر گوش فرا داد.

لوقا ۳: ۲۱، ۲۲

پدر محبت و شادی اش را نسبت به عیسی ابراز میکند.

متی ۱۷: ۵

او از عیسی به عنوان پسرش تأیید میکند.

یوحنا ۸: ۵۹

پدر از عیسی در برابر مهاجمین محافظت میکند.

یوحنا ۱۹: ۱۰، ۱۱

چون عیسی در اراده پدر زندگی میکند، پدر اجازه نمی دهد که هیچ چیزی بر خلاف اراده اش در زندگی او اتفاق بیفتد، حتی حاکم نمیتواند کاری انجام دهد، مگر آنکه خدا اجازه دهد.

یوحنا ۲۰: ۲۱


متی ۲۸: ۱۸

پدر عیسی را فرستاد و قدرت و اقتدار خود را به او داد.


خدا، اکنون پدری برای ما

یوحنا ۲۰: ۱۷

مهمترین چیزی که عیسی به شاگردانش میگوید، این است که آنها نیز اکنون خدا را به عنوان پدر میتوانند تجربه کنند.


یوحنا ۱۴: ۱۸-۲۱ 

عیسی میگوید که ما میتوانیم او را محبت کنیم و همانند خودش در وابستگی و اعتماد زندگی کنیم. در این صورت پدر خود را برای ما آشکار میکند.

یوحنا ۱۴: ۲۳ 

در این صورت پدر با ما زندگی خواهد کرد. خدای پدر شما را دوست دارد.

از ایمانداران چگونه یاد میشود؟


غلاطیان ۴: ۴-۷ 

این بدان معنی است که ما وارثین او هستیم. بخش ۴ بطور مخصوص در این مورد توضیح خواهد داد.

درد


اگر رابطه چندان خوبی با پدر زمینی مان نداشته ایم، اغلب این سوژه ای دردناک است و گاهی اوقات نیز زندگی ما را تحت تاثیر قرار میدهد. بسیاری از مواقع ما این تصویر را مثالی اشتباه از خدا قرار میدهیم. برای نمونه اگر ما بسیار قانونمند تربیت شده باشیم و باید ها و نبایدهای زیادی در تربیتمان بوده است، انتظار داریم که خدا نیز اینگونه با ما برخورد کند. یا اگر پدری داشته ایم که اغلب عصبانی یا حتی خشن می بوده، برایمان دشوار است که خدا را به عنوان پدری پر توجه و پر محبت ببینیم.

شفا ممکن است

لوقا ۱۵: ۱۱-۲۴ 

در این داستان میبینیم که پدر منتظر پسر است. علارغم طرز زندگی بد او، پدر پسرش را همواره دوست دارد. همینگونه خدا نیز مانند یک پدر منتظر شماست. پدر به پسر لباس، انگشتر و کفشهایی نو میدهد. همچنین پدر جشنی ترتیب میدهد. خدای پدر نیز به همین صورت میخواهد از شما استقبال کند.

تکلیف:

از خدا بخواهید که قلب پدرانه ی خود را برای شما مکاشفه کند. 

آیا میخواهی شبیه پدرت باشی؟ چه اتفاقی در قلبت می افتد وقتی به آن فکر میکنی؟ به این بیاندیشید که چه لحظات زیبایی را با پدرتان داشته اید. آیا خصوصیت های اخلاقی هستند که آنرا در خودتان نیز میبینید؟ خدا را برای لحظات خوش و خصوصیتهای نیک اخلاقی پدرتان شکر گوید. اگر پدرتان هنوز زنده است، شاید بتوانید اینرا در یک نامه یا کارت به او ابراز کنید. البته شما می توانید اینکار را در مورد کسی که برایتان نقش پدر را در زندگی ایفا کرده است، نیز انجام دهید.

از خدا بخواهید به شما نشان دهد که آیا مسائلی از گذشته هستند که لازم است آنها را با پدرتان حل کنید. زمان بگذارید و برای حل این مسئله با خدا صحبت کنید. اگر او چیزی نشان نداد کاری انجام ندهید.

8-8 با سرپرست خود درباره اینکه پدرتان برای شما چه کسی بود، صحبت کنید. از روح خدا بخواهید به شما نشان دهد چه چیز را از گذشته شما میخواهد شفا دهد. آیا شرایطی هستند که ناگهان باید به آن فکر

کنید؟ آیا با برخی خصوصیات اخلاقی پدرتان مشکل دارید؟ آیا اتفاقات
دردناکی در رابطه با پدرتان هستند که نیاز به شفا دارند؟



آیات

متی ۶: ۱۰ و ۹

۹ پس شما اینگونه دعا کنید ای پدر ما که در آسمانی نام تو مقدس باد.
۱۰ پادشاهی تو بیاید اراده تو، چنانکه در آسمان انجام می‌شود اراده تو، بر زمین نیز به انجام رسد.

متی ۶: ۱۱-۱۳

۱۱ نان روزانه ما را امروز به ما عطا فرما.
۱۲ و قرضهای ما را ببخش چنانکه ما نیز قرضداران خود را می‌بخشیم.
۱۳ و ما را در آزمایش میاور بلکه از آن شرور رهاییمان ده زیرا پادشاهی و قدرت و جلال، تا ابد از آن توست. آمین

یوحنا ۱: ۱-۸ و ۱۰-۱۴

۱ در آغاز کلام بود و کلام با خدا بود و کلام، خدا بود.
۲ همان در آغاز با خدا بود.
۳ همه چیز به واسطه او پدید آمد، و از هر آنچه پدید آمد، هیچ چیز بدون او پدیدار نگشت.
۴ در او حیات بود و آن حیات، نور آدمیان بود.
۵ این نور در تاریکی می‌درخشد و تاریکی آن را در نیافته است.
۸ او خود آن نور نبود، بلکه آمد تا بر آن نور شهادت دهد.
۹ آن نور حقیقی که بر هر انسانی روشنایی می‌افکند برآستی به جهان می‌آمد.
۱۰ او در جهان بود، و جهان به واسطه او پدید آمد؛ اما جهان او را نشناخت.
۱۴ و کلام، انسان خاکی شد و در میان ما مسکن گزید. و ما بر جلال او نگرستیم، جلالی درخور آن پسر یگانه که از جانب پدر آمد، پر از فیض و راستی.

یوحنا ۱: ۱۸

۱۸ هیچ‌کس هرگز خدا را ندیده است. اما آن خدای یگانه که در بر پدر است، همان او را شناسانید.

یوحنا ۴: ۳۴

۳۴ عیسی به ایشان گفت: «خوراک من این است که اراده فرستنده خود را بهجا آورم و کار او را بهکمال رسانم.»

یوحنا ۸: ۲۹

۲۹ و او که مرا فرستاد، با من است. او مرا تنها نگذاشته، زیرا من همواره آنچه را که مایه خشنودی اوست، انجام می‌دهم.

یوحنا ۵: ۲۰ و ۱۹

۱۹ پاسخ عیسی چنین بود: «آمین، آمین، به شما می‌گویم که پسر از خود کاری نمی‌تواند کرد مگر کارهایی که می‌بیند پدرش انجام می‌دهد؛ زیرا هر چه پدر می‌کند، پسر نیز می‌کند.
۲۰ زیرا پدر، پسر را دوست می‌دارد و هر آنچه می‌کند به او می‌نمایاند و کارهای بزرگتر از این نیز به او خواهد نمایاند تا به شگفت آید.

یوحنا ۶: ۲۶ و ۲۷

۲۶ زیرا همانگونه که پدر در خود حیات دارد، به پسر نیز عطا کرده است که در خود حیات داشته باشد.
۲۷ و به او این اقتدار را بخشیده که داوری نیز بکند، زیرا پسر انسان است.

یوحنا ۶: ۳۶

۳۶ اما من شهادتی استوارتر از شهادت یحیی دارم، زیرا کارهایی که پدر به من سپرده تا بهکمال رسانم، یعنی همین کارها که می‌کنم، خود بر من شهادت می‌دهند که مرا پدر فرستاده است.

یوحنا ۶: ۳۷ و ۳۸ و ۳۹

۳۷ هر آنچه پدر به من بخشد، نزد من آید؛ و آن که نزد من آید، او را هرگز از خود نخواهم راند.
۳۸ زیرا از آسمان فرود نیامده‌ام تا بهخواست خود عمل کنم، بلکه آمده‌ام تا خواست فرستنده خویش را بهانجام رسانم.
۳۹ و خواست فرستنده من این است که از آن کسان که او به من بخشیده، هیچ‌یک را از دست ندهم، بلکه آنان را در روز بازپسین برخیزانم.

یوحنا ۷: ۱۶

۱۶ عیسی در جواب ایشان گفت: «تعالیم من از خودم نیست، بلکه از اوست که مرا فرستاده است.»

یوحنا ۱۰: ۳۸

۳۸ اما اگر بهجا می‌آورم، حتی اگر کلام را باور نمی‌کنید، دست‌کم به آن کارها ایمان آورید تا بدانید و باور داشته باشید که پدر در من است و من در پدر

یوحنا ۱: ۹

۹ عیسی به او گفت: «فیلیپس، دیری است با شما هستم و هنوز مرا نشناخته‌ای؟ کسی که مرا دیده، پدر را دیده است؛ پس چگونه است که می‌گویی "پدر را به ما بنما."

یوحنا ۱۳: ۱

۱ پیش از عید پسخ، عیسی با آگاهی از اینکه ساعت گذار او از این جهان به نزد پدر فرارسیده است، کسان خود را که در این جهان دوست می‌داشت، تا به حد کمال محبت کرد.

یوحنا ۱۴: ۶

۶ عیسی به او گفت: «من راه و راستی و حیات هستم؛ هیچ‌کس جز به واسطه من، نزد پدر نمی‌آید.

یوحنا ۱۵: ۹

۹ همانگونه که پدر مرا دوست داشته است، من نیز شما را دوست داشته‌ام؛ در محبت من بمانید.

یوحنا ۱۷: ۲۱

۲۱ تا همه یک باشند، همانگونه که تو ای پدر در من هستی و من در تو. چنان کن که آنها نیز در ما باشند، تا جهان ایمان آورد که تو مرا فرستاده‌ای.

یوحنا ۱۶: ۲۷

۲۷ چرا که پدر خود شما را دوست می‌دارد، زیرا شما مرا دوست داشته و ایمان آورده‌اید که از نزد خدا آمده‌ام.

یوحنا ۱۸: ۳۶

۳۶ عیسی پاسخ داد: «پادشاهی من از این جهان نیست. اگر پادشاهی من از این جهان بود، خادمانم می‌جنگیدند تا به‌دست یهودیان گرفتار نیایم. اما پادشاهی من از این جهان نیست.

یوحنا ۱۸: ۳۷

۳۷ پیلاتس از او پرسید: «پس تو پادشاهی؟» عیسی پاسخ داد: «تو خود می‌گویی که من پادشاهم. من از این‌رو زاده شدم و از این‌رو به جهان آمدم تا بر حقیقت شهادت دهم. پس هرکس که به حقیقت تعلق دارد، به ندای من گوش فرامی‌دهد.

لوقا ۲۱ و ۲۲

۲۱ هنگامی که مردم همه تعمیم می‌گرفتند و عیسی نیز تعمیم گرفته بود و دعا می‌کرد، آسمان گشوده شد.

۲۲ و روح‌القدس به شکل جسمانی، همچون کبوتری بر او فرود آمد، و ندایی از آسمان در رسید که «تو پسر محبوب من هستی، و من از تو خشنودم.»

متی ۱۷: ۵

۵ هنوز این سخن بر زبان پطرس بود که ناگاه ابری درخشان ایشان را دربر گرفت و ندایی از ابر در رسید که: «این است پسر محبوبم که از او خشنودم؛ به او گوش فرادهید!

یوحنا ۸: ۵۹

۵۹ پس سنگ برداشتند تا سنگسارش کنند، اما عیسی خود را پنهان کرد و از محوطه معبد بیرون رفت.

یوحنا ۱۹: ۱۰ و ۱۱

۱۰ پس پیلاتس او را گفت: «به من هیچ نمی‌گویی؟ آیا نمی‌دانی قدرت دارم آزادت کنم و قدرت دارم بر صلیبت کشم؟
۱۱ عیسی گفت: «هیچ قدرت بر من نمی‌داشتی، اگر از بالا به تو داده نشده بود؛ از این‌رو، گناه آن که مرا به تو تسلیم کرد، بسی بزرگتر است.»

یوحنا ۲۰: ۲۱

۲۱ عیسی باز به آنان گفت: «سلام بر شما! همانگونه که پدر مرا فرستاد، من نیز شما را می‌فرستم.

متی ۲۸: ۱۸

۱۸ آنگاه عیسی نزدیک آمد و به ایشان فرمود: «تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من سپرده شده است.

یوحنا ۲۰: ۱۷

۱۷ عیسی به او گفت: «بر من می‌آویز، زیرا هنوز نزد پدر صعود نکرده‌ام. بلکه نزد برادرانم برو و به آنها بگو که نزد پدر خود و پدر شما و خدای خود و خدای شما صعود می‌کنم.

یوحنا ۱۸: ۲۱-۲۱

۱۸ شما را بی‌کس نمی‌گذارم؛ نزد شما می‌آیم.

۱۹ پس از اندک زمانی جهان دیگر مرا نخواهد دید، اما شما

خواهید دید، و چون من زنده‌ام، شما نیز خواهید زیست.

۲۰ در آن روز، خواهید دانست که من در پدر هستم و شما در

من و من در شما.

۲۱ آن که احکام مرا دارد و از آنها پیروی می‌کند، اوست که مرا

دوست می‌دارد؛ و آن که مرا دوست می‌دارد، پدرم او را دوست

خواهد داشت و من نیز او را دوست داشته، خود را بر او ظاهر

خواهم ساخت.

یوحنا ۱: ۲۳

۲۳ عیسی پاسخ داد: «آن که مرا دوست می‌دارد، کلام مرا نگاه

خواهد داشت، و پدرم او را دوست خواهد داشت، و ما نزد او

خواهیم آمد و با او مسکن خواهیم گزید.

غلاطیان ۴: ۷-۷

۴ اما چون زمان مقرر به‌کمال فرارسید، خدا پسر خود را فرستاد

که از زنی زاده شد و زیر شریعت به‌دنیا آمد،

۵ تا آنان را که زیر شریعت بودند بازخرد کند، و تا مقام

پسرخواندگی را به‌دست آوریم.

۶ پس چون پسرانید، خدا روح پسر خود را در دل‌های ما فرستاده

است که ندا درمی‌دهد «آبا، پدر.

۷ بدینسان، دیگر غلام نیستی، بلکه پسری؛ و چون پسری، خدا

تو را وارث نیز گردانیده است.

لوقاه ۱: ۱۱-۲۴

۱۱ سپس ادامه داد و فرمود: «مردی را دو پسر بود. ۱۲ روزی پسر کوچک به پدر خود گفت: «ای پدر، سهمی را که از دارایی تو به من خواهد رسید، اکنون به من بده.» پس پدر دارایی خود را بین آن دو تقسیم کرد.

۱۳ پس از چندی، پسر کوچکتر آنچه داشت گردآورد و راهی دیاری دوردست شد و ثروت خویش را در آنجا به عیاشی بریاد داد.

۱۴ چون هرچه داشت خرج کرد، قحطی شدید در آن دیار آمد و او سخت به تنگدستی افتاد.

۱۵ از این رو، خدمتگزارِ یکی از مردمان آن سامان را پیشه کرد، و او وی را به خوکبانی در مزرعه خویش گماشت.

۱۶ پسر آرزو داشت شکم خود را با خوراک خوکها سیر کند، اما هیچکس به او چیزی نمی‌داد.

۱۷ سرانجام به خود آمد و گفت: «ای بسا کارگران پدرم خوراک اضافی نیز دارند و من اینجا از فرط گرسنگی تلف می‌شوم.

۱۸ پس برمی‌خیزم و نزد پدر می‌روم و می‌گویم: «پدر، به آسمان و به تو گناه کرده‌ام.

۱۹ دیگر شایسته نیستم پسرت خوانده شوم. با من همچون یکی از کارگران رفتار کن.

۲۰ پس برخاست و راهی خانه پدر شد. اما هنوز دور بود که پدرش او را دیده، دل بر وی بسوزاند و شتابان به‌سویش دویده، در آغوشش کشید و غرق بوسه‌اش کرد.

۲۱ پسر گفت: «پدر، به آسمان و به تو گناه کرده‌ام. دیگر شایسته نیستم پسرت خوانده شوم.

۲۲ اما پدر به خدمتکارانش گفت: «بشتابید! بهترین جامه را بیاورید و به او بپوشانید. انگشتی بر انگشتش و کفش به‌پاهایش کنید.

۲۳ گوساله پرورای آورده، سر ببرید تا بخوریم و جشن بگیریم.

۲۴ زیرا این پسر من مرده بود، زنده شد؛ گم شده بود، یافت شد!» پس به جشن و سرور پرداختند. شما را محبت نمودم؛ در محبت من بمانید.

یوحنا ۱۷: ۲۱

۲۱ تا همه یک گردند چنانکه تو ای پدر، در من هستی و من در تو، تا ایشان نیز در ما یک باشند تا جهان ایمان آرد که تو مرا فرستادی.

یوحنا ۱۶: ۲۷

۲۷ زیرا خود پدر شما را دوست می‌دارد، شما مرا دوست داشتید و ایمان آوردید من از نزد خدا بیرون آمدم.

یوحنا ۱۸: ۳۶

۳۶ عیسی جواب داد «پادشاهی من از این جهان نیست. اگر پادشاهی من از این جهان می‌بود، خدام من جنگ می‌تا به یهود تسلیم نشوم. ولی پادشاهی من از این جهان نیست.»

یوحنا ۱۸: ۳۷

۳۷ پیلطس به او گفت: «مگر تو پادشاه هستی؟» عیسی جواب داد: «تو می‌گویی من پادشاه هستم. از این جهت من متولد شدم و جهت این در جهان آمدم تا به راستی شهادت دهم، و هر از راستی است سخن مرا می‌شنود.»

لوقا ۳: ۲۱، ۲۲

۲۱ هنگامی که مردم همه تعمیم می‌گرفتند و عیسی نیز تعمیم گرفته بود و دعا میکرد، آسمان گشوده شد

۲۲ و روح‌القدس به شکل جسمانی، همچون کبوتری بر او فروآمد، و ندایی از آسمان در رسید که «تو پسر محبوب من هستی، و من از تو خشنودم.»

متی ۱۷: ۵

۵ و هنوز سخن بر زبانش بود که ناگاه ابری درخشنده بر ایشان سایه افکند و اینک، آوازی از ابر در رسید که این است پسر حبیب من که از وی خشنودم. او را بشنوید!

یوحنا ۸: ۵۹

۵۹ آنگاه سنگها برداشتند تا او را سنگسار . اما عیسی خود را مخفی ساخت و از میان گذشته، راهی بیرون شد و همچنین بر رفت.

یوحنا ۱۹: ۱۰، ۱۱

۱۰ پیلطس بدو گفت: «آیا به من سخن نمی‌گویی؟ نمی‌دانی قدرت دارم تو را صلیب و قدرت دارم آزادت نمایم؟»

۱۱ عیسی جواب داد: «هیچ قدرت بر من نمی‌داشتی اگر از بالا به تو داده نمی‌شد. و از این جهت آن که مرا به تو تسلیم کرده گناه بزرگتر دارد.»

